



مدیر اسبق حفاظت و بهره‌برداری از منابع آب شرکت آب منطقه‌ای کرمان:

حفاظت از منابع آب عزم ملی می‌طلبد

■ مصاحبه‌کننده: مریم حسنی سعدی

علی عرب‌پور که سال‌های زیادی در شرکت آب منطقه‌ای کرمان فعالیت داشت در سال ۱۳۹۸ بازنشسته شده است. وی در بهمن ماه سال ۱۳۶۸ با مدرک کارشناسی در رشته زمین‌شناسی به عنوان کارشناس آب‌های زیرزمینی وارد شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمان شد. او به مدت ۹ سال طی سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰ در شهرستان زرن در سمت کارشناس و مدیر امور آب آن شهرستان خدمت کرد و در سال ۱۳۸۰ به شرکت آب منطقه‌ای کرمان رفت. وی سابقه حضور در سمت معاون حفاظت و بهره‌برداری، رئیس گروه حفاظت و مهندسی رودخانه‌ها، مدیر دفتر تلفیق آب‌های سطحی و زیر زمینی، مدیر حفاظت و بهره‌برداری از منابع آب شرکت آب منطقه‌ای کرمان را در کارنامه کاری خود دارد.



۴ آقای عرب‌پور! با توجه به اینکه شما سابقه حضور ۹ ساله در امور آب شهرستان زرند دارید، طی این سال‌ها وضعیت منابع آبی و نحوه بهره‌برداری این دشت چگونه بود؟

در سال ۱۳۴۶ قسمت محدودی از دشت زرند ممنوعه شده و بعد از آن در سال ۱۳۴۹ به دلیل افت سطح آب، کل دشت زرند ممنوعه اعلام شد. زرند یکی از دشت‌هایی بود که بیشترین افت سطح آب زیرزمینی را در استان داشت و این روند افت پیش از انقلاب شروع شده بود. این دشت در دوره انقلاب هم مانند دیگر دشت‌های استان با حفر چاه‌های غیرمجاز زیادی مواجه شده بود. بعد از جنگ و حدود سال ۱۳۷۰ توجه به مسائل داخلی کشور بیشتر شد و تعیین تکلیف چاه‌های تبصره ۳ ماده قانون توزیع عادلانه آب مورد توجه قرار گرفت. در دهه ۷۰ که در زرند حضور داشتم تعیین تکلیف‌های چاه‌های غیرمجاز یکی از کارهایی بود که باید انجام می‌دادیم. البته تعداد زیادی مضر تشخیص داده شد و مسدود شدند و تعدادی هم پروانه گرفتند. خاطرم است که ۴۰ دادخواست انسداد چاه غیرمجاز با امضای خودم به عنوان مدیر امور آب، به دادگاه ارسال کردم که اصلاً در ادارات آبیاری شهرستان‌ها مرسوم نبود؛ آن‌ها دادخواست‌ها را به مدیرعامل شرکت می‌فرستادند. با همکاری رئیس دادگستری آن دوره شهرستان زرند، آقای غندالی، اکثر آن دادخواست‌ها منجر به صدور حکم طمس چاه غیرمجاز شد و احکام اجرا شدند. تمام تلاش‌م را کردم که یک چاه غیرمجاز در این شهرستان اضافه نشود.

۴ در حال حاضر می‌بینیم که همتی برای انسداد چاه‌های غیرمجاز به بهانه معضلات امنیتی و اجتماعی نیست. در آن دوره شما با چنین موانعی در برخورد با چاه‌های غیرمجاز روبرو نبودید؟

در آن دوره در شهرستان زرند انسداد چاه غیرمجاز مشکلات اجتماعی داشت؛ ولی امنیتی نبود. مردم مخالفت می‌کردند؛ مثلاً چاهی در یزدان‌آباد زرند

را می‌خواستیم پُر و مسلوب‌المنفعه کنیم، خاطرم هست حدود ۱۵۰ نفر از مردم تجمع کرده بودند، دادستان وقت آقای امیر میجانی با بازدید از محل و محرز شدن غیرمجاز بودن آن چاه، چند نفر اصلی را بازداشت کردند و باعث شد ما موفق شویم چاه را پُر کنیم. البته مشکلاتی هم برای من به وجود می‌آمد؛ مثلاً سیم تلفن خانه را قطع می‌کردند تا رابط‌هایی که در روستاها داشتیم و از حفر چاه غیرمجاز اطلاع می‌دادند نتوانند گزارش حفر چاه را بدهند. حتی من را تهدید می‌کردند و جرئت نمی‌کردم ماشین اداره را در جای خلوتی بگذارم. در یک مورد به وزیر نیرو نامه نوشتند و اتهامات بی‌اساس به بنده زدند، وقتی وزارت نیرو رسیدگی کرد متوجه دروغین بودن آنها شد و پی برد این تهمت‌ها برای منصرف کردن من از برخورد با چاه‌های غیرمجاز بوده است. تمام تلاش‌مان را کردیم تا جایی که وظیفه‌مان بود از منابع آبی حفاظت کنیم.

۴ چه موانع دیگری در برخورد با چاه‌های غیرمجاز داشتید؟

یکی از مسائلی که در دوره انجام خدمت در امور آب شهرستان زرند کاملاً لمس می‌کردم، ضعف قانون توزیع عادلانه آب بود؛ مثلاً چاه غیرمجازی که بعد از طی روند قضائی با حکم دادگاه مسدود و پُر می‌کردیم را دوباره تخلیه می‌کردند و یا کنار همان، مجدداً چاه می‌زدند؛ وقتی به دادگاه مراجعه می‌کردیم به ما گفته می‌شد که آن حکم اجرا شده است و جرم جدید، نیاز به دادخواست جدید دارد. مراحل قضایی آن هم یک سال طول می‌کشید تا بتوانیم دوباره آن چاه را پُر کنیم. قانون هیچ تشدید مجازات برای تکرار جرم پیش‌بینی نکرده بود و زمانی که حکم حبس هم به جزای نقدی تبدیل شد، کارایی و نقش بازدارندگی قانون از دست رفت. مجازات حبس بسیار اثر داشت؛ مثلاً در یک مورد قاضی، حکم سه ماه زندان برای کسی که چاه غیرمجاز زده بود را داد و این باعث شد که دیگر چاه جدید در مجاورت آن حفر نشود یا تخلیه چاه صورت نگیرد.





چاه‌های مجاور آن چاه اعلام کنید و آگاهی دهید که حفر چاه جدید تجاوز به حقوق شماست و شما در آینده با کمبود آب روبرو می‌شوید؟ در چندین مورد در زرنند این کار انجام شد؛ رسماً به نمایندگان چاه‌های مجاور نامه‌ای نوشتیم و اعلام کردیم که چاه غیرمجاز در مجاورت شما حفر شده است و در حریم ضرری شماست. حتی در دادگاه دادخواست داده و آنها را دعوت می‌کردیم با هماهنگی با نماینده حقوقی به عنوان شخص ثالث به پرونده ورود کنند. واقعاً مؤثر بود هر جایی به عنوان شخص ثالث وارد شدند، توانستیم حکم پُر و مسلوب‌المنفعه کردن چاه‌ها را بگیریم. البته همه مجاوران چاه‌های غیرمجاز حاضر به همکاری نبودند. برخی در حفر چاه‌های غیرمجاز اشتراک منافع داشتند.

۴؟ خطر دیگر از برخورد با چاه‌های غیرمجاز دشت زرنند در آن دوران دارید؟

خاطرم هست شرکت زغال‌سنگ پیش از تأسیس اداره آب، آماربرداری‌هایی در مورد چاه‌ها و قنوات و میزان مصرف آن‌ها در قسمتی از دشت زرنند انجام داده بود. در برخی موارد دادگاه در مورد سابقه چاه از شرکت زغال‌سنگ استعلام می‌گرفت، با تعاملی که با شرکت زغال‌سنگ به وجود آمد جلوی آمار غلط گرفته شد. مورد دیگر یک دستگاه حفاری ضربه‌ای را که در حال حفر چاه غیرمجاز بود، توقیف کرده بودیم؛ روز بعد که قاضی، ضابط را برای تحقیق فرستاده بود با یک جرقه روبرو شده بود. متوجه شدیم که شب قبل مته، گل‌کش و سایر وسایل حفاری را باز کرده بودند. پیگیری بسیاری با نهادهای انتظامی صورت گرفت و کسانی که در این کار شرکت داشتند توبیخ شدند، این اتفاق در برخورد با متخلفان منطقه بسیار اثر گذاشت.

۴؟ آیا در برخورد با چاه‌های غیرمجاز با فشارهایی از سوی نماینده مجلس یا مسئولین روبرو بوده‌اید؟

بله موارد معدودی بود. در موردی حکم جلب من و تعدادی از همکارانم نیز صادر شد.



۴؟ آیا با مواردی برخورد داشتید که چاهی را غیرمجاز تشخیص دهید ولی نتوانید مسدود و پلمب کنید؟

بله؛ در برخی موارد با جعل مدرک، سندسازی و استشهادیه محلی و... موفق می‌شدند با رأی دادگاه از پرکردن چاه جلوگیری کنند و ما موفق نمی‌شدیم.

۴؟ از دید علمی و کارشناسی در یک دشت ممنوعه، حفر یک چاه جدید حتی با فاصله زیاد هم ضرری است و بر میزان برداشت همه چاه‌ها اثر می‌گذارد، آگاهی دادن به مردم از این موضوع، ظرفیتی بود که می‌توانست در جلوگیری از حفر چاه‌های غیرمجاز مؤثر واقع شود. آیا در مورد برخورد با چاه‌های غیرمجاز شما از ظرفیت‌های محلی استفاده می‌کردید؟ اینکه به مالکین



چاه‌ها نصب، کالیبره و به‌روزرسانی شوند؛ هر چند کنتورها مشکلاتی دارند، اما باید برداشت کنترل شود و آب به‌صورت حجمی تحویل داده شود. از بُعد فرهنگی نیز باید کارهایی صورت گیرد و دیدگاه‌های مسئولان اصلاح شود. تعارضاتی که در بخش‌های دولتی وجود دارد بر طرف شود. مثلاً تا زمانی که مشکل کمبود برق در کشور نبود شرکت‌های توزیع برق در زمینه کنترل میزان مصرف برق چاه‌ها همکاری نمی‌کردند. در مدیریت مصرف برق تعارضات زیادی با برنامه‌های جهاد کشاورزی وجود دارد. لازم به ذکر است در دشت ناپایداری مانند زرنند، صنایع بزرگی مانند فولاد ایجاد شده که باید آب موردنیاز خودشان را از خارج حوضه تامین کنند و منبعی مانند پساب فاضلاب شهر زرنند به بخشی از چاه‌های کشاورزی در ازای تقلیل بهره‌برداری آن‌ها تخصیص یابد؛ همچنین آب شرب نیز لاجرم باید از خارج حوضه تامین شود.

۴ از نظر شما چه اقدامی اثر منفی در برداشت آب دشت زرنند داشت؟

برقی کردن چاه‌ها را یکی از اقداماتی می‌توان برشمرد که منجر به برداشت بیشتر از منابع آب زیرزمینی شد. قبلاً که چاه‌ها دیزلی بودند ساعت کارکرد چاه‌ها کمتر بود؛ اما با برقی شدن چاه، ساعت کارکرد و برداشت از آب افزایش پیدا کرد.



۴ وضعیت بهره‌برداری و سطح زیرکشت دشت زرنند چگونه بود؟ آیا بعد از انقلاب میزان برداشت و سطح زیرکشت افزایش یافت؟ متأسفانه دشت زرنند یکی از دشتهایی است که تعداد چاه‌های آن، در سال‌های آخر رژیم گذشته و سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی افزایش زیادی پیدا کرده‌است؛ به‌طوریکه بررسی آمارهای موجود نشان می‌دهد در سال ۱۳۵۴ تعداد چاه‌های محدوده مطالعاتی زرنند ۳۱۹ حلقه با تخلیه ۱۴۰ میلیون مترمکعب آب در سال بوده است که در آماربرداری سال ۱۳۶۴ تعداد چاه‌ها به ۶۱۳ حلقه و میزان بهره‌برداری آن‌ها به ۲۵۴ میلیون مترمکعب افزایش یافته است؛ یعنی در این ۱۰ سال تعداد چاه‌ها و بهره‌برداری آن‌ها تقریباً دو برابر شده و سطح زیر کشت نیز افزایش زیادی داشته است؛ این شرایط وضعیت دشت را بحرانی کرده است.

۴ با توجه به اینکه هر منطقه شرایط خاص خودش را دارد، پیشنهاد و راهکار شما برای کاهش برداشت از منابع آب زیرزمینی زرنند چیست؟

دشت زرنند منابع آب سطحی محدودی دارد بنابراین با کار سازه‌ای نمی‌شود کمکی به احیا دشت کرد؛ تنها راه نجات دشت، مدیریت مصرف و افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی و کاهش برداشت از منابع آب زیرزمینی است. کشور ما به طور متوسط حدود یک‌سوم بارندگی جهان و استان ما کمتر از یک‌پنجم متوسط بارندگی دنیا را دارد، ولی با کمال تأسف راندمان آبیاری در کشور ما هنوز از بعضی کشورهای همسایه نیز پایین‌تر است. وجود یک‌چهارم یا یک‌پنجم باغات کشور در یک استان گرم و خشک عاقلانه نیست. ما برای حفظ حیات در منطقه و توسعه پایدار ناچار به کاهش سطح زیرکشت و افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی هستیم. یک راه که می‌تواند برداشت را کاهش دهد این است که اراضی نامرغوب با خرید و انسداد چاه‌ها از چرخه تولید خارج شوند. کنتورهای حجمی روی تمام





برقی کردن چاه‌ها را یکی از اقداماتی می‌توان برشمرد که منجر به برداشت بیشتر از منابع آب زیرزمینی شد. قبلاً که چاه‌ها دیزلی بودند ساعت کار کرد چاه‌ها کمتر بود؛ اما با برقی شدن چاه، ساعت کار کرد و برداشت از آب افزایش پیدا کرد.

۴ بسیاری از مسئولان آب منطقه‌ای ایراد می‌گرفتند که قضات به دلیل عدم اشراف به مسائل آب و اطلاعات فنی رأی‌هایی صادر کردند که منجر به قانونی شدن بسیاری از چاه‌ها و برداشت‌های غیرمجاز شد. از همین رو در قانون تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه فرصتی دست داد و کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی مستقر در شرکت‌های آب منطقه‌ای جایگزین دادگاه برای رسیدگی به مسائل آبی بهره‌برداران شد. نظر شما در مورد این کمیسیون چیست؟

گرچه ایراداتی به آن وارد است، اما اقدام مثبتی بود. قبلاً دادگاه به دلیل عدم تخصص، رأی‌هایی در خصوص جابه‌جایی چاه‌ها و صدور پروانه بهره‌برداری یا افزایش آن در شهرستان‌ها صادر می‌کرد که مسائل بسیاری را به وجود می‌آورد؛ با ایجاد کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی دیگر ما با چنین رأی‌هایی روبرو نبودیم. از بعد حفاظت منابع آب این کمیسیون بسیار مؤثر بود.

۴ باتوجه به سابقه شما در سمت مدیر حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای کرمان با چه مشکلاتی در حفاظت از منابع آبی روبرو بودید؟

یکی از مشکلات ما، ضعف قانون توزیع عادلانه آب بود. این قانون بازدارنده نیست، تصویب آن در اوایل انقلاب با رویکرد توزیعی و بهره‌برداری بوده‌است؛ از بعد حفاظت و حراست از منابع آب ضعیف است و خلأهای بسیاری دارد. مثلاً موردی داشتیم که مأمور ماده ۳۰ که ضابط دادگستری است در رفسنجان موتور یک چاه غیرمجاز را برداشته بود و به ۶ ماه انفصال از خدمت محکوم شد؛ یا مثلاً موتور چاه غیرمجازی ۶ بار برداشته شد اما باز موتور نصب می‌کردند و بهره‌برداری صورت می‌گرفت.

باید بگویم که در تمام قانون توزیع عادلانه آب یک ماده که به وزارت نیرو اجازه پرکردن چاه غیرمجاز را بدهد وجود نداشت؛ بعدها در ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی

۴ از سال ۱۳۸۰ به عنوان مدیر حفاظت وارد شرکت آب منطقه‌ای کرمان شدید، وضعیت برداشت از منابع آبی استان چگونه بود؟

شروع حفر چاه با وسایل موتوری در دشت‌های شمال استان به دهه ۳۰ برمی‌گردد. تا اوایل دهه ۵۰ روند حفر چاه افزایش معمولی و کمی داشت؛ اما در سال‌های آخر عمر رژیم گذشته و اوایل پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل تضعیف حاکمیت قانون و سوءاستفاده عده‌ای، حفر چاه‌های غیرمجاز شدت گرفت. در آن زمان چاه‌های غیرمجاز بسیاری حفر شد و معضلاتی را به وجود آورد که منجر به تصویب قانون توزیع عادلانه آب شد. بسیاری از این چاه‌های غیرمجاز به استناد تبصره ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب مجوزدار شدند. خود تبصره ماده ۳ و باز بودن و زمان‌دار نبودن آن منجر به تشویق مردم به حفر چاه‌های غیرمجاز جدید گردید، صاحبان این چاه‌ها امیدوار شدند که در آینده دوباره قانونی می‌آید و می‌توان چاه‌هایی که غیر قانونی حفر شده‌اند را قانونی جلوه داد. متأسفانه همین اتفاق در سال ۱۳۸۹ با تصویب قانون تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه رخ داد. در برهه تصویب قانون تعیین تکلیف در دشت‌های استان، به خصوص دشت‌های جنوبی استان، حفر چاه‌های غیرمجاز زیاد شد. این نحوه برخورد با برداشت‌ها و حفر چاه‌های غیرمجاز باعث می‌شد که کار حفاظت منابع آب در شرکت آب منطقه‌ای اندامانی نداشته باشد.



و غیرعلمی به موضوع آب؛ و در نهایت تغییر اقلیم و کاهش بارندگی که از عوامل موثر بود، اشاره کرد.

۴ نظر شما در مورد کنتورهای حجمی که در حال حاضر نصب می‌شود، چیست؟ آیا نصب این کنتورها در کنترل برداشت مؤثر است؟

نصب کنتور روی چاه‌ها برای اولین بار در استان در دهه ۷۰ انجام شد؛ در آن زمان کنتورهای مکانیکی مانند کنتورهای آب منازل در سائزهای متناسب با پروانه چاه‌ها (مثلاً ۶ اینچ) روی لوله خروجی آب از چاه نصب می‌شد. ما در شهرستان زرنند بیش از ۳۰۰ دستگاه از این کنتورها را نصب کردیم که در اثر ماسه‌دهی چاه‌ها و کیفیت نامناسب آب، اکثر آنها بعد از شش ماه خراب شدند و کارائی خود را از دست دادند؛ در نتیجه نصب این کنتورها متوقف شد. در دهه هشتاد کنتورهای مشترک آب و برق به بازار آمدند. ابتدا قرار بود این کنتورها توسط شرکت‌های توزیع برق نصب شوند؛ هم برق مصرفی توسط آنها قرائت شود هم آب. شرکت‌های توزیع برق از نصب این کنتورها شانه خالی کردند و شرکت‌های آب منطقه‌ای خودشان مجبور شدند نصب و بهره‌برداری از آنها را شروع کنند.

در دهه ۹۰ کنتورهای حجمی جدید و کنتورهای الکترومغناطیس به بازار آمد. در دوران حضورم در شرکت آب منطقه‌ای کرمان، حدود ۴ هزار کنتور حجمی روی چاه‌ها نصب شد. تحویل حجمی آب به بهره‌برداران یکی از اقدامات اساسی و اصولی است که باید صورت پذیرد. ما ناگزیر به حرکت در این راستا هستیم، اگر کنتورها اشکالاتی دارند این اشکالات با پیشرفت تکنولوژی برطرف خواهد شد؛ تحویل حجمی آب هم تکلیف قانونی وزارت نیرو است هم یک ضرورت اجتماعی.

۴ نصب کنتورها به اواخر دهه ۹۰ بر می‌گردد، در حالیکه سرمایه‌گذاری‌های ۴۰ و ۵۰ ساله در بخش باغداری بر اساس دبی‌ها انجام شده است، حال زمانی که ساعت کارکرد در برداشت

قانون توزیع عادلانه آب، این خلأ قانون را پر کردند اما در سال ۱۳۸۲ دیوان عدالت اداری آن را ابطال کرد. مأمور ماده ۳۰ بدون حکم دادگاه یا اخذ نمایندگی هیچ کاری نمی‌تواند در برابر تخلفات انجام دهد. تعارض منافع با متولیان بخش کشاورزی، مسئولین سیاسی و بعضی از نمایندگان مجلس (نگاه سیاسی به آب) نیز یکی از مشکلات بود.

بالا بودن سهم اشتغال در بخش کشاورزی استان نسبت به میانگین کشوری و استان‌های دارای وضعیت اقلیمی مشابه نیز یکی دیگر از مسائل بود. براساس آمار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در سال ۱۳۸۵ سهم اشتغال در بخش کشاورزی در کل کشور ۲۰/۵ درصد، در استان یزد ۱۲/۹ درصد، در استان اصفهان ۱۲/۱ درصد، ولی در استان کرمان ۳۴/۵ درصد یعنی حدود سه برابر استان‌های دارای وضعیت اقلیمی مشابه و بیش از ۱/۵ برابر میانگین کشوری است؛ این موضوع باعث می‌شود برخورد با تخلفات منابع آب هزینه‌های اجتماعی، امنیتی، اقتصادی و سیاسی زیادی در پی داشته باشد.

۵ یکی از علل وضعیت وخیم منابع آبی استان کرمان وجود چاه‌های بسیاری که در دهه ۵۰ و ۶۰ حفر شدند اعلام می‌شود؛ به نظر شما در دهه‌های بعد چه اقدامات دیگری منجر به تشدید این وضعیت شد؟

بعضی از دشت‌های استان در اواخر رژیم گذشته بیلان منفی داشتند و ممنوعه شدند. در سال‌های اول پیروزی انقلاب برداشت‌ها بیشتر و افت سطح آب تشدید شد. در دشت‌های جنوبی استان هم با تصویب قانون تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه، حفر چاه غیرمجاز افزایش پیدا کرد. از جمله عوامل دیگری که منجر به افزایش مصرف آب و کاهش سطح آب‌خوان شد می‌توان به: افزایش تقاضا در بخش‌های کشاورزی، شرب و صنعت به واسطه افزایش جمعیت؛ بالا رفتن سطح رفاه اجتماعی و برخورداری همه شهرهای کوچک و بزرگ و روستاها از آب لوله‌کشی و در نتیجه افزایش مصرف آب شرب؛ نگاه سیاسی





نصب کنتور روی چاه‌ها برای اولین بار در استان در دهه ۷۰ انجام شد؛ در آن زمان کنتورهای مکانیکی مانند کنتورهای آب منازل در سایزهای متناسب با پروانه چاه‌ها (مثلاً ۶ اینچ) روی لوله خروجی آب از چاه نصب می‌شد.

آبیاری و طرح‌های انتقال آب، هم اعتبار برای شرکت‌ها می‌آوردند؛ هم دیده می‌شدند و قابل ارائه بودند؛ و مدیران عامل از این بابت تشویق می‌شدند. از همین رو معمولاً مدیرعامل از حوزه طرح توسعه انتخاب می‌شد؛ این باعث شد که بخش حفاظت و بهره‌برداری کمتر دیده شود؛ به نظر من این ایراد در ساختارهای شرکت‌های آب منطقه‌ای بود. البته در سال‌های اخیر وزارت نیرو سعی کرده است مدیرعامل‌ها را از حوزه حفاظت و بهره‌برداری انتخاب کند، ولی هنوز هم بیشتر انتخاب‌ها از مسئولان طرح توسعه هستند. بنده معتقدم که باید طرح‌های توسعه آب، از شرکت‌های آب منطقه‌ای جدا شود. این طرح‌ها به شرکت‌های دیگر مثل آب و نیرو داده شود و کار آب منطقه‌ای تنها مطالعه و حفاظت و نظارت بر بهره‌برداری باشد. کسانی که در بخش حفاظت کار می‌کنند واقعاً کار خیلی سختی دارند و باید نظام‌نامه‌ای برای حفاظت منابع آب تعریف شود. البته به اینکه گفته می‌شود «صدور پروانه‌ها از حفاظت جدا شود»، اعتقادی ندارم، چون بهره‌برداری هم می‌تواند با دید حفاظت انجام شود؛ مثلاً تعدیل پروانه‌ها در واحد صدور پروانه و بهره‌برداری انجام می‌شود و در صورتی که درست انجام شود، نتیجه‌اش در حفاظت از منابع آب دیده می‌شود، پس این دو باید با هم باشند. یا مثلاً امور منابع آب شهرستان که نوک پیکان آخر در اجرا است، نمی‌تواند دو موضوع صدور پروانه و حفاظت را جدا از هم تعریف کند.

۴ بعد از تغییر مدیریت شرکت‌های آب منطقه‌ای از حوضه آبریز به استان، به شرکت‌ها اعلام شد که بخشی از اعتبارشان را خود شرکت‌ها از اقداماتی که انجام می‌دهند، تأمین کنند. این تأمین بودجه توسط شرکت‌ها را چقدر در افزایش صدور مجوزها سهیم می‌دانید؟ وقتی قرار شد که شرکت‌ها هزینه‌های جاری را خودشان تأمین کنند، آنچه اتفاق افتاد این بود، کارهایی که می‌بایست در راستای کاهش پروانه‌های بهره‌برداری چاه‌های کشاورزی انجام شود، صورت نگرفت.

اعمال شود بی‌تردید باغداران با کسری آب روبرو می‌شوند، از طرفی تأمین آب هم از طریق خرید و انتقال ممنوع شده است؛ آیا برای این تنگناها چاره‌ای هم اندیشیده شد؟ در پیشنهاداتی که به وزارت نیرو ارسال کردیم به این نکته نیز اشاره شده است که ماده ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب، خرید و انتقال آب را ممنوع نکرده بلکه اجازه آن را به دولت واگذار کرده است؛ دولت می‌تواند در برخی مناطق، این اجازه را بدهد تا بهره‌برداران بتوانند آب مورد نیاز خود را در چارچوب پتانسیل دشت و آب قابل برنامه‌ریزی تأمین کنند.

۴ چرا این اجازه داده نشد؟

مهم‌ترین اصل، حفاظت از منابع آب بوده و ادامه حیات در استان به آن وابسته است؛ تا زمانی که کنتور نصب نشود، پروانه‌ها اصلاح و تعدیل نشوند، میزان آب قابل برنامه‌ریزی به‌روز نشده و نمی‌توان میزان برداشت را دقیق اندازه‌گیری کرد؛ لذا در این شرایط ایجاد بازار آب تهدیدکننده است.

۴ آقای عرب‌پور! آیا این رویه وزارت نیرو در کاهش

پروانه‌ها بر پایه آب قابل برنامه‌ریزی و عدم رعایت ماده ۴۴ قانون توزیع عادلانه آب درست است؟ وقتی دشت‌ها توان تحویل آب بر مبنای پروانه‌های بهره‌برداری موجود را ندارند، به نظر شما جز کاهش پروانه‌ها چه راهی وجود دارد؟ به نظر من وزارت نیرو چاره‌ای جز این رویه ندارد.

۴ عده‌ای بر این عقیده‌اند که دادن دو

مسئولیت صدور پروانه و حفاظت از منابع آبی به یک نهاد و شرکت‌های آب منطقه‌ای استانی بدون توجه به حوضه آبریز، خطایی بود که منجر به تشدید بحران آب کشور شده است؛ نظر شما در این رابطه چیست؟

بعد از انقلاب متأسفانه شرکت‌های آب منطقه‌ای، به معاونت‌های طرح توسعه اهمیت زیادی دادند؛ چون طرح‌های توسعه منابع آب مثل سدها، شبکه‌های



اقدام نقش مؤثری دارد.

دوم، نگاه و اعتقاد مسئولین بلندپایه کشور به آب باید اصلاح شود، کشور ما ۱/۱ درصد از جمعیت دنیا و ۱ درصد از مساحت کره زمین را دارد ولی ۰/۳۶ درصد از منابع آب تجدیدپذیر جهان در اختیار ماست؛ پس ما یک کشور کم آبی هستیم و این را مسئولین باید بپذیرند و دیدگاهشان اصلاح شود. اگر این نگاه اصلاح شود تعارضات بین بخشی در موضوع حفاظت منابع آب کاهش پیدا خواهد کرد.

سوم، انتخاب مسئولین بخش آب از مدیران آگاه، متعهد، متخصص و دلسوز باشد؛ باید در انجام فعالیت صراحت و قاطعیت داشته باشند و اهل مسامحه و سازش کاری نباشند. مدیریت در بخش آب با بقیه بخش‌ها بسیار متفاوت است.

چهارم، ابزارهای لازم برای حفاظت باید به‌روز شوند؛ مثلاً کنتور حجمی.

پنجم، موضوع اقتصاد آب و افزایش بهره‌وری و بازار آب است. این موضوع کاملاً در مدیریت منابع آبی نادیده گرفته شده است. در مدیریت مصرف کاری انجام نمی‌شود؛ بهره‌وری و راندمان آب در کشور بسیار پایین است.

ششم، توجه به تجارت آب مجازی، است؛ ما استانی هستیم که حدود نصف میانگین بارندگی کشور و یک‌پنجم میانگین بارندگی دنیا را دارد، نباید کالاهای پرآب‌طلب در این استان تولید شود بلکه باید صنایعی که آب‌بری کمی دارند ایجاد شود؛ اگر صنعت آب‌بری در این استان است نباید از منابع آب سطحی و زیرزمینی استان استفاده کند و باید آب مورد نیاز آن‌ها از طرق دیگر مثل شیرین‌سازی و انتقال از دریا تأمین شود. و هفتم، تدوین و تصویب قانون جامع و مانع که در برگیرنده همه مسائل حال حاضر آب کشور باشد. باید متذکر بود که تا قانون اصلاح نشود بسیاری از کارها را نمی‌توان انجام داد.

باید یاد آور شد آنچه که از حضور بهره‌برداران در مدیریت مشارکتی در نگاه مسئولین می‌بینیم نگاه داروغه‌ای است و تنها حضور ذی‌نفعان را در جلوگیری از برداشتهای غیرمجاز می‌پذیرند.



۴ آقای عرب‌پور! به نظر شما در حال حاضر برای رفع چالش‌های منابع آب زیرزمینی استان چه کارهایی باید انجام شود؟

به نظر من اگر بخواهیم از این وضعیت بیرون بیاییم چند کار باید هم‌زمان انجام شود

اول، باید ذی‌نفعان و بهره‌برداران حضور بیشتری در مدیریت و حفاظت از منابع داشته باشند؛ زمینه قانونی برای تشکلهای بهره‌برداری فراهم شود که نماینده بهره‌برداران دارای اختیار باشد و حفاظت دشت‌ها به این تشکلهایی که آگاه و متعهد در جهت حفاظت از منابع آب هستند واگذار گردد؛ این





آب مسئله‌ای فرابخشی و چندجانبه است؛ مسئله‌ای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی است؛ احیاء منابع آب زیرزمینی یک عزم ملی و استانی می‌خواهد. اگر حفاظت از منابع آب را تنها از شرکت‌های آب منطقه‌ای بخواهیم هیچ زمان موفق نخواهیم شد.



دنیای
PISTACHIO
WORLD

۴۵

مسئولیت بنده حدود ۱۰,۰۰۰ حلقه از چاه‌های غیرمجاز استان پرشد که تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کاهش تعداد آنها داشت. همین‌طور قطع سهمیه سوخت چاه‌های غیرمجاز که به‌سختی انجام شد، باعث کاهش برداشت آن‌ها در دشت‌های جنوبی استان و رها و متروکه شدن تعداد زیادی از آن‌ها شد که پرکردن آنها در سال‌های بعد آسان‌تر گردید.

۴ به‌هرحال این محدودیت‌ها برای چاه‌های قانونی بر سرمایه‌گذاری و معیشت بهره‌برداران اثر دارد، اینکه پروانه‌ها را کاهش می‌دهند، در جابه‌جایی‌ها و کف‌شکنی‌ها هم شروطی می‌گذارند که در نهایت دیگر دسترسی به آب هم مقدور نیست. در این باره نظر شما چیست؟ به نظر من باید آگاهی کشاورزان از وضعیت دشت‌ها را بالا برد. باید کشاورزان توجیه شوند این کارهایی که انجام می‌شود در راستای حفاظت از مقدار آبی است که الان برداشت می‌شود. مثلاً در دشت‌های شمالی استان بعضی از دشت‌ها به مرحله‌ای رسیده‌اند که کف‌شکنی هیچ تأثیری در آینده ندارد و یا اینکه کشاورزان ملزم شدند که جابه‌جایی چاه در اراضی آبخور اولیه انجام شود هم منطبق با وضعیت آبی است؛ از ابتدا زدن چاه خارج از اراضی آبخور اولیه اشتباه بود. این اقدامات قانونی مسئولان به نفع دشت است، مسئولان تعارض منافعی ندارند و همه منافع برای دشت است؛ دشت مال بهره‌برداران است.

۴ و سخن پایانی؟

آب مسئله‌ای فرابخشی و چندجانبه است؛ مسئله‌ای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی است؛ احیاء منابع آب زیرزمینی یک عزم ملی و استانی می‌خواهد. اگر حفاظت از منابع آب را تنها از شرکت‌های آب منطقه‌ای بخواهیم هیچ زمان موفق نخواهیم شد. باید در حفاظت از منابع آب عزم ملی همراه باشد و همه ارگان‌های دولتی، فرهنگی، دانشگاهی، مذهبی و مردم دست به دست هم دهند تا مسئله حفاظت آب درست پیش رود.

از آنجایی که وزارت نیرو مالکیت بهره‌برداران را مخدوش کرده است و منجر به این شده که منافع بهره‌برداران در برداشت بیشتر آب باشد، بنابراین آن انتظاری که از ایجاد تشکلهای حفاظت از منابع آبی مطرح می‌شود راه به جایی نمی‌برد.

۴ آقای عرب‌پور! مشاهده می‌کنیم محدودیت‌های بسیاری برای بهره‌برداران قانونی در قالب بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها اعمال می‌شود؛ اعم از عوارض برداشت آب، محدودیت کف‌شکنی و جابه‌جایی، خاموشی‌ها. از طرفی چاه‌های غیرمجاز هم بدون هیچ محدودیتی در حال فعالیت هستند. آیا این نحوه برخورد با چاه‌های مجاز و غیرمجاز منجر به این نمی‌شود که بهره‌برداران تشویق به برداشت‌های غیرمجاز شوند؟ به نظرم بخشی از این صحبت‌ها بهانه‌گیری است. وضعیت منابع آب بر اساس حوضه آبریز می‌باشد؛ مثلاً حوضه آبریز کویر در انجیر که دشت‌های کرمان، بردسیر، زرنده و رفسنجان در آن واقع شده، ارتباطی به حوضه آبریز جازموریان که دشت‌های جنوبی استان هستند، ندارد.

در دشت‌های شمالی استان تعداد چاه‌های غیرمجاز بسیار کم هستند و برداشت‌های کمی دارند، مثلاً در دشت زرنده ۰/۵ درصد برداشت آب چاه‌های کشاورزی دشت از چاه‌های غیرمجاز است؛ و یا در دشت رفسنجان حدود ۲/۵ درصد برداشت آب چاه‌های کشاورزی دشت از آن چاه‌های غیرمجاز است؛ پس دشت با دشت متفاوت است. اما در رابطه با عدم برخورد با چاه‌های غیرمجاز در دشت جیرفت یا رودبار، ممکن است صحبت شما صدق کند ولی برای دشت‌های شمالی نمی‌تواند صادق باشد. خاطر من هست یکی از مسئولین جهاد کشاورزی که فردی مطلع هم بود در یکی از جلسات اظهار داشت: «بروید چاه‌های غیرمجاز در جنوب را پر کنید بعد بیایید پروانه‌های رفسنجان را تعیین تکلیف کنید.» درمورد برخورد با چاه‌های غیرمجاز نیز با توجه به مشکلات موجود اقدام شده است؛ مثلاً در دوره

